

چرا ارگان حزب حاکم برآشفته است؟

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، که پرده از جنایت نوتی سران ج ۱۰ بر می دارد، گردانندگان روزنامه "جمهوری اسلامی" را سخت برآشفته است. ارگان مرکزی حزب حاکم به جای آنکه به مسائل صریح و روشن مطروحه در اعلامیه حزب پاسخ گوید، نیروهای مترقی و انساندوست جهان را به علت حمایت از توده ای های دیند، به باد فحش و ناسزا گرفته است.

روش گردانندگان "جمهوری اسلامی" شبیه داستان دزدی است که برای رد گم کردن فریاد می کشد: آی دزد آی دزد! آنچه در فحشنامه "جمهوری اسلامی" جلب نظر می کند، بهره گیری از شیوه زنگ زده ضد کمونیستی امپریالیسم خیری برای مقابله با نیروهای مترقی جهان است. و این همسانی "استدلال" ارگان تبلیغاتی حزب حاکم پابند گوهایی امپریالیستی تصادفی نیست.

آنچه بیش از همه خشم "جمهوری اسلامی" را برانگیخته، خواست منطقی حزب ما پیرامون اجازه ورود حقوقدانان پزشکان و کارشناسان بیطرف به ایران برای رسیدگی به چگونگی تشکیل "پرورنده ها"، وضع جسمی و روحی زندانیان توده ای و بررسی شیوه های ضد بشری شکنجه های رایج در فراموشخانه های ج ۱۰ است.

هیئت حاکمه که با استقرار یک رژیم پلیسی درنده خوی و غیر انسانی، ایران را به زندان چهل میلیون ایرانی بقیه در صفحه ۵



دوره هشتم - سال اول - شماره ۲۷
پنجشنبه ۱۵ آذر ۱۳۶۳
بها ۲۰ ریال

اعلامیه فدراسیون سندیکایی جهانی

فدراسیون سندیکایی جهانی این احکام را به مثابه یک عمل وحشیانه و سرکوب نیروهای مکرر-تیک که در نخستین صفوف مبارزان رژیم دیکتاتور دست نشانده شاه، قرارداد اشتد، تلقی می کند. فدراسیون خواستار الغاء احکام اعدام، آزادی فوری کلیه محکومین و مراعات کامل آزادی ها و حقوق دمکراتیک است.

فدراسیون سندیکایی جهانی، پیرامون دادگاه های در بسته و فرمایشی اعلامیه ای منتشر ساخت. فدراسیون سندیکایی جهانی نگرانی ژرف خود را نسبت به پیگرد میهن پرستان و فعالین اتحادیه های کارگری ایران ابراز داشت. در اعلامیه گفته می شود شماری از میهن پرستان و فعالین سندیکایی بدون برخورداری از حق شرکت در دادگاه های علنی به اعدام محکوم شده اند.

لایحه بودجه سال ۶۴ بازتاب و رشکست اقتصادی رژیم

پنجم آذر ماه، دولت لایحه بودجه سال ۶۴ را به مجلس برد. گرچه هنوز ارقام لایحه بودجه در دست ما نیست، با این وجود می توان براساس بخشنامه نخست وزیر و پیگیره های جسته و گریخته منتشره در مطبوعات، ماهیت ضد ملی بودجه را به بیان نشان داد.

در بخشنامه نخست وزیر گفته میشود: "کل بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۶۴ معادل ۳۷۰۰ میلیارد ریال تعیین گردیده که در مقایسه با بودجه عمومی مصوب سال ۶۳ دولت حدود ۵۰ درصد کاهش خواهد داشت. محدودیت مورد بحث در حجم کلی بودجه ممکن است در موارد متعدد به جلوگیری از بسط و گسترش خدمات ضروری دولتی به جامعه و یا حتی محدود نمودن پاره ای از این خدمات در سال ۶۴ منجر گردد."

کاهش بودجه کل کشور، آنهم در شرایط کنونی بحران اقتصادی - اجتماعی، بیانگر و رشکست اقتصادی و مالی دولت است. بیویژه اگر در نظر گرفته شود، که کاهش بودجه در ارتباط با محدود کردن خدمات ضروری دولتی به جامعه است. به بیان دیگر، دولت در نظر دارد بودجه خدمات اجتماعی از قبیل آموزش، بهداشت، تامین آب و برق، مخابرات، اداره تاسیسات شهری مانند پارک ها، اسفالت خیابان ها، بهبود ترافیک، ایجاد فاضلاب و کشتارگاه و غیره مورد استفاده میلیونها نفر از اهالی محروم کشور را کم کند.

اقای بانک و وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه می گوید بخشی از بودجه مورد نیاز ۴۵ میلیارد تومانی آموزش و پرورش را بایستی از محل کمک های مردم تامین کرد. در بخشنامه نخست وزیر گفته می شود در بخش هزینه های آموزشی و درمانی در سال ۶۴ باید "تکیه روی خودیاری مردم" باشد.

بقیه در صفحه ۲

مدارک ساختگی "سیا" در خدمت سران جمهوری اسلامی

سران ج ۱۰ برای نزدیکی به آمریکا از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند. دستگاه های تبلیغاتی رژیم در چارچوب سیاست جهانی شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی که همواره در دستور کار انحصار ات امپریالیستی قرار دارد، وظیفه دارند که اهداف ارگان های جاسوسی و در راس آنها "سیا" را عینا دنبال کنند. آنها تلاش دارند که در این ورطه ننگین از دیگر همگنانشان در سراسر جهان گوی سبقت بریا یند. این کار به جایی رسیده که ارگان های مختلف و دستگاه های ارتباط جمعی کشور کاغذ پاره هائی از ما موران "سیا" را به عنوان "اسناد" و "مدارک" در جهت تبلیغات ضد کمونیستی به کار گرفته و در روزنامه های مجاز کشور منتشر می کنند.

در این رابطه، اخیرا بر سری کتاب های "اسناد لانه جاسوسی" در کتاب دپترافزونه شده که حاوی یادداشت ها و برخی گزارش های ساختگی ما موران "سیا" علیه اتحاد شوروی و حزب توده ایران به شاه و ساواک است. این یادداشت ها و گزارش ها همواره از جانب سفارت ایالات متحده آمریکا در اختیار شاه بقیه در صفحه ۴

۱۶ آذر، روز دانشجو را گرامی داریم

روز ۱۶ آذر ۱۳۲۲، روز خشم سوزان، روز خروش طوفانی، روز شهادت الهام بخش سه دانشجوی انقلابی و روز شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی!" است.

روز ۱۶ آذر ۱۳۲۲ فرهاد های خشمناکین "مرگ بر شاه" و "مرگ بر ارتجاع" فضای مرگبار پس از کودتای ۲۸ مرداد را انباشت. در این روز مصطفی بزرگ نیا، عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران، مهدی شریعت رضوی، عضو سازمان جوانان توده ایران و احمد قندچی، هوادار دکتر مصدق، دلارانه به استقبال مرگ رفتند و با دشنه ایمان خویش پرده سیاه شب کودتا را دریدند و ستاره های امید و ادامه مبارزه بر ضد کودتاگران و اربابان آمریکایی آنها را در دامن خلق غربال کردند.

پس از کودتای ۲۸ مرداد، مزدوران آمریکایی با تمام توان تلاش می ورزیدند که با گستردن چتر سرکوب بر سرهمه، کانون های جنبش انقلابی و کارگری میهن ما و از جمله دانشگاه ها آرامش گورستانی را بر کشور فرمانروا سازد. ولی جنبش نوین دانشجویی خواب خوش آنها را آشفته

بقیه در صفحه ۴

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

لایحه بودجه سال ۶۴ بازتاب و رشکست اقتصادی رژیم

بقیه از صفحه ۱

افزودن برای دولت به وزارتخانه هادستوری دهد که هیچ گونه افزایش دستمزد در سال ۶۴ در نظر گرفته نشود. و همه این تدابیر ضد ملی برای "بیلد اطمینان جهت سرمایه گذاری بخش خصوصی" اتخاذ می گردد.

روزنامه "جمهوری اسلامی" ارگان حزب حاکم در توجیه این سیاست عمیقاً ضد ملی می نویسد:

"گفته می شود، که این تصمیم به منظور کاهش تکیه بر منابع استقراض از بانک مرکزی کدر و مخایرت اصولی با سلامت اقتصادی جامعه و سیاستهای ضد توری دولت می باشد، اتخاذ شده است."

این استدلال روزنامه "جمهوری اسلامی" تکرار نسخهای است که نظریه پردازان جهان سرمایه - داری برای باصلاح مقابله با تورم تجویزی می کنند. سران ج ۱۰ که اینپنه از سیاست "نه شرقی و نه غربی" سخن می گویند و چپ و راست "معیارهای اسلامی" را به رخ مردم می کشند، در عمل در اتخاذ سیاست های ضد توری خود، مدونی اندکی کم و کاست از ارتجاعی ترین شیوه های رایج در جهان سرمایه داری پیروی می کنند.

در اینکه تورم به یکی از محضلات حاد اجتماعی در کشور ما تبدیل شده، جای تردید نیست. و این هم مسلم است، که تورم فزاینده بیش از همه شیرازه زندگی توده های میلیونی زحمتکش را از هم پاشیده است. آیا در چنین شرایطی، کاهش بودجه خدمات اجتماعی مورد نیاز طبقات محروم موجب فقر مطلق را در جامعه فراهم نخراند کرد؟

روزنامه "جمهوری اسلامی" می نویسد:

"... وقتی هزینه های دولت از منابع در آمد دولت فزونی می گیرد بودجه در چار کسری می گردد که این کسری باید با قرض از بانک مرکزی بر طرف شود." و نتیجه می گیرد که دولت مجبور است از طریق چاپ اسکناس این کسری را تامین کند.

ارگان حزب حاکم سفسطه می کند و هدفش از این "استدلال" تیره سیاست ضد خلقی رژیم و تحمیل افکار عمومی است. برای تامین کسری - که دولت، ضریق گوناگون وجود دارد. ما در این مقال فقط روی دو مورد مشخص و ملموس از نظر افکار عمومی تکیه می کنیم.

۱- خود سران رژیم معترفند که جنگ خانمانسوز بیش از ۴۰ درصد بودجه کشور را می بلعد. در واقع اگر مجموعه هزینه های ناشی از جنگ و از جمله حیف و میل های کلانی را که صورت می گیرد، در نظر بگیریم، این رقم به نصف بودجه می رسد. مردم ایران می پرسند: چرا برای ایجاد توازن در بودجه و مقابله با تورم به جنگ پایان نمی دهید؟

در بخشنامه بودجه تاکید می شود، جنگ تا پیروزی امت ایثارگر اسلامی "ادامه خواهد یافت." اداه "جنگ نه تنها به معنای کشتار دسته جمعی جوانان یا معلول کردن ده ها هزار انسان،

یعنی نیروی کار بالقوه جامعه و نیز تخریب شهرها و روستاها و موسسات صنعتی است، بلکه یکی از عوامل عمده تورم و تشدید فقر و ورشکستگی اقتصادی نیز هست.

آقای عباس دوزد وزانی نماینده تهران در سخنرانی قبل از دستور مجلس شورای اسلامی گفت: "حضرت امام در روزهای شروع جنگ آن را رحمت خدا تلقی فرمودند... اکنون، با وارد شدن جنگ به پنجمین سال خرید، توده های محروم در عمل مشاهده می کنند، که برخلاف ادعای آقای خمینی، جنگ نه تنها "رحمت خدا" برای اکثریت مطلق افراد جامعه نیست، بلکه بزرگ ترین فلاکت و مصیبت را برای آنان به بار آورده است."

آقای دوزد وزانی هم به این حقیقت محترف است. او می گوید، جنگ "نه تنها (ما را) از بسیاری از مزایا و دستاوردهای ارزشمند محروم داشته بلکه زمینه ها و سلیقه های دوزخ شائن انقلاب اسلامی را مجدداً عودت داده، فرصت طلبان و سودجویان را جسارت بخشیده، فربیکاران و شروران را رخصت داده و خائنان و جانان فراری را به هوس تولید انقلاب اسلامی انداخته است."

صرف نظر از هر انگیزی که دوزد وزانی را به افشای فقط گوشه ای از حقایق تلخ واداشته، از گفته های وی فقط یک نتیجه می توان گرفت: جنگ رحمت خدا برای مشتق صاحبان ثروت، زدان بیت المال و زالیهای اجتماعی است، که زیر چتر حمایت سران ج ۱۰ به مکیدن خون توده های زحمتکش ادامه می دهند. علت اینکه سردمداران رژیم و در رأس آنها آیت الله خمینی اینپنه اصرار در ادامه جنگ دارند نیز در اینجا نهفته است.

ناگفته پیداست، اگر ده ها میلیارد ریالی که سالیانه صرف جنگ می شود، در عرصه تولید، به قصد ایجاد اشتغال و نیز بالا بردن سطح زندگی توده ها بکار بیفتد، کشور از بیماری کسری بودجه نجات خواهد یافت.

۲- به نظر ما، یکی دیگر از طرق تامین کسری بودجه، اخذ مالیات مستقیم از صاحبان ثروت است. به ارقام زیر توجه کنید (به میلیارد ریال):

مردم "می رسد، این پولها کلا از حساب دولت به حساب سرمایه داران بزرگ منتقل می شود و همین آقایان هستند که سران ج ۱۰ آنها را "مردم" می خوانند و "مردم" می دانند. والا مردم واقعی یعنی کارگران و دهقانان و کارمندان زحمتکش و دیگر اقشار محروم جامعه، مورد نظر روحانیون حاکم نیستند.

ارگان حزب حاکم با وجود اعتراف به اینکه، "در این میان صاحبان حقوق ثابت بیشترین زبان ها را متحمل گردیده اند"، می نویسد با این تفاسیل باید به دولت حق داد که بودجه خدمات اجتماعی را کاهش دهد.

باید از گردانندگان ارگان حزب حاکم پرسید: چرا دولت از سود سرسام آور کلان سرمایه داران مالیات تصاعدی رایج در جوامع سرمایه داری نمی گیرد، تا بدینسان کسری بودجه را تامین کند؟

به اعتراف آقای بانکی ارزش افزوده خدمات فقط طی یکسال به ۲۸۰ میلیارد تومان بالغ شده است. اگر ۴۰ درصد این سود به حساب غارت زحمتکشان انباشته شده، به عنوان مالیات مستقیم اخذ شود، مبلغی حدود ۱۱۲۰ میلیارد تومان خواهد بود. این رقم: ۱۰۲۰ میلیارد ریال بیش از کسری بودجه رژیم در سال ۶۳ است.

در اوائل شهریور ماه، گفته شد، یکی از وظایف وزارت اقتصاد و امر در اراضی وصول مالیات مصوب مجلس شورای اسلامی در بودجه سال های ۵۸ تا ۶۲ است. بدهی مالیاتی کلان سرمایه داران طی این مدت ۱۶۵۰ میلیارد ریال برآورد شده است.

هاشمی رفسنجانی در مصاحبه رادیو تلویزیونی ۱۴ آبانماه گفت: "مالیات غیر مستقیم گرفته می شود اما این نوع مالیات در حقیقت بیشتر از طبقه محروم گرفته می شود، به مصرف کننده و اکثریت مردم تحمیل می شود. از طبقه پولدار، مالیات بسیار کم گرفته می شود..."

نه آقای رفسنجانی، اکثریت مردم فقط مالیات غیر مستقیم نمی دهند. بخش عمده درآمد دولت به حساب مالیات مستقیم هم از این اکثریت اخذ می شود. چرا شما که رئیس مجلس قانونگذاری هستید، قانونی جهت اخذ مالیات مستقیم از

سال	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳
کسری بودجه	۵۰۸٫۵	۲۶۹٫۲	۹۰۳٫۱	۱۰۰۴٫۲	۸۸۲٫۱	۷۳۵٫۵	۱۰۰۰
نقد بینگی بخش خصوصی	۲۵۷۸٫۶	۳۵۰۰	۴۳۳۷٫۸	۵۱۱۷	۶۳۵۶٫۷	۷۰۰۰	۷۳۷۷

صاحبان ثروت تدوین و تصویب نمی کنید؟ پاسخ روشن است: برای اینکه به قول معروف چاقو دست خود را نمی برد.

هاشمی رفسنجانی می گوید: "در کشور ما پولدارها می خواهند آزادی های دنیای سرمایه داری را حتی بیشتر داشته باشند، اما حاضر نیستند حتی نصف آن مالیاتی که پولدارهای دنیای سرمایه داری می پردازند، اینها بپردازند..."

بقیه در صفحه ۷

باید متذکر شد که طبق آمار بانک مرکزی رقم نجومی ۷۳۷۷ میلیارد ریال نقد بینگی بخش خصوصی در سال ۱۳۶۳ مربوط به سه ماهه اول سال است.

چنانکه ملاحظه می کنید افزایش کسری بودجه متناسب مستقیم با افزایش سرسام آور نقد بینگی بخش خصوصی دارد. برخلاف نوشته روزنامه "جمهوری اسلامی"، که گویا حجم اسکناس زیاد شده، پس از یک سری فعل و انفعالات اقتصادی "به دست

سیاست صلح در منطقه بسود همه خلقها و کشورهاست

منطقه خاورمیانه و نزدیک، خلیج فارس و اقیانوس هند در اثر سیاست های جنگ افروزانسه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، به یکی از خطرناک ترین کانون های تشنج و روبا-رویی جهانی در آمده است.

اهمیت استراتژیک و منحصر بفرد این منطقه از نظر سیاسی - جغرافیایی، نظامی و اقتصادی برای امپریالیسم جهانی روشن است؛ منابع عظیم نفت جهان را در دل خود دارد، در نزدیکی مرزهای اتحاد شوروی و پیوندگاه سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا است.

امپریالیسم آمریکا منطقه خاورمیانه و نزدیک و بخشی از قاره آفریقا و اقیانوس هند را "حریص مناطق حیاتی" خویش اعلام کرده است. استراتژی آمریکایی در تلاش هستند تا مقرر فرماد هی مرکزی "سنکیم" را در این منطقه مستقر سازند و ۹ کشور دارای حق حاکمیت را زیر پوشش عملیاتی خود قرار دهند. واشنگتن، همچنین در صدد است که بجای پیمان فریبایدیده "سنتو" یک گروه بندی تجاوزی جدید را در منطقه سرهم بندی کند. در این گروه بندی ترکیه، پاکستان، مصر و عربستان سعودی و ایران شرکت خواهند کرد. هر یک از این کشورها از امکانات محینی برخوردارند و نقش و وظایف ویژه ای را بر عهده خواهند گرفت.

امپریالیسم آمریکا به یاری متحدان ناتوی، خود و ارتجاع منطقه با شعله و رنگ بد اشتن آتش جنگ ایران و عراق به وخامت اوضاع و تشدید مسابقه تسلیحاتی بین کشورهای منطقه امان می زند. در این بین، بویژه امپریالیسم متحدان مسلحی خود همانند ترکیه و پاکستان را تا بن دندان مسلح می کند و برگردن رژیم نظامی پاکستان مدال ژاندرمی منطقه را انداخته است.

همروند با این تحولات، کشورهای ارتجاعی غرب در منطقه از نظر مالی و تسلیحاتی تجهیز می شوند، شورای همکاری خلیج فعالیت های نظامی خویش را به یاری "ناتو" هرچه بیشتر علیه خلقها و کشورهای مستقل منطقه گسترش می دهند. دخالت در امور داخلی کشورهای مستقل و ضد امپریالیست از جمله در هند و افغانستان به اشکال گوناگون گسترش می یابد. تحریکات مرزی پاکستان در مرزهای هند و افغانستان، برانگیختن آتش اختلافات و درگیری های مذهبی در هند و ترور بانو گاندی و تسلیح بی سابقه ضد انقلابیون افغانی از سوی امپریالیسم در حلقه این توطئه ها می گنجد. امپریالیسم با مسلح کردن هرچه بیشتر اسرائیل و تجهیز آن به سلاح های اتمی و تشدید عملیات تجاوزکارانه و توسعه طلبانه صهیونیست ها

بر علیه خلق های عرب، صحنه دیگری از تحریکات پردامنه خود را به اجرا می گذارد.

در حال حاضر ۲۵ پایگاه نظامی در منطقه اقیانوس هند سرگرم فعالیت هستند. بزرگترین پایگاه در جزیره دیه گوگاریا واقع است که یک پایگاه دریایی و هوایی بحساب می آید. در این پایگاه جنگ افزارهای هسته ای و شیمیایی انبار شده است. تنها شمار کارشناسان نظامی آمریکا در این پایگاه به ۱۴۰۰۰ نفر بالغ می شود. در اقیانوس هند در نزدیکی خلیج فارس ۳۱ ناو جنگی ایالات متحده گشت می زنند.

دولت ریگان، برای سال آینده، یک بسودجه ۴۷ میلیارد دلاری برای صرف در خلیج فارس طرح ریزی کرده است. این برنانه در برگیرنده ۱۴ میلیارد دلار فروش جنگ افزار و هزینه نکه - داری ۳۱ ناو جنگی و بیش از ۱۰۰ هزار سرباز نیروی واکنش سریع در منطقه است.

بدینسان افزایش حضور مستقیم و غیر مستقیم نظامی ایالات متحده آمریکا و هم پیمانان "ناتوی" آن در خلیج فارس و اقیانوس هند و تحریکات و توطئه های گسترده آنها نشانگر آنست که امپریالیست ها خود را به آب و آتش می زنند تا مواضع پیشین خود را در منطقه خاورمیانه و نزدیک و خلیج فارس که پس از پیروزی انقلاب در مکزیک افغانستان و انقلاب ۲۲ بهمن از دست دادند، دوساره بدست آورند. امپریالیست ها مرزهای جنوبی اتحاد شوروی - بحنوان دژ استوار و مطمئن دفاعی صلح و امنیت جهانی - و همچنین سرکوب جنبش آزادی بخش ملی خلق های منطقه را هدف گیری کرده اند.

در این رهگذر، کشورها هم آماج توطئه های رنگارنگ امپریالیستی قرار دارد. اشکال این توطئه بویژه در چارچوب پایمال کردن دستاورد های بزرگ انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و احیای مواضع و منافع امپریالیستی، عا برتند از: ادامه جنگ خانمانسوز ایران و عراق و جنگ برادر کشی در کردستان، ایجاد امکانات مساعد برای احیای مواضع سرمایه داری وابسته و سرکوب نیروهای راستین - انقلابی در درجه اول حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان مجاهدین خلق ایران و تقویت نیروهای ضد انقلاب فراری سلطنت طلب در خارج از کشور است.

البته گسترش عملیات توطئه گرانه، تجاوزکارانه و مداخله جویانه امپریالیست ها در منطقه به معنای دستیابی به کامیابی های نوین و به هم خوردن توازن شکننده نیروها بسود امپریالیسم و ارتجاع همانند ده های پیشین نبوده، نیست و نخواهد بود. بیداری خلقها و پایداری آنها در برابر

دسیسه چینی های امپریالیستی بسیاری از نقشه های امپریالیسم و ارتجاع را نقش بر آب کرده است. مقاومت قهرمانانه خلق لبنان در برابر تجاوزگران صهیونیستی، شکست های نوین امپریالیسم و ضد انقلاب در افغانستان و پیروزی های نوین این کشور، تلاش های مثبت ضد امپریالیستی غیر متعهد ها و رشد فزاینده جنبش انقلابی در بین خلقهای منطقه گواهان این نظر هستند.

در صحنه روبا رویی با تلاشها و توطئه چینی های جنگ افروزان و مداخله جویانه امپریالیسم جهانی، اردوگاه صلح و سوسیالیسم و آزادی خلقها و در پیشاپیش آن اتحاد شوروی قرار دارد. اتحاد شوروی با ارائه پیشنهاد های سازنده در زمینه متوقف ساختن مسابقه تسلیحاتی، صلح سلاح عمومی و کامل و جلوگیری از تبدیل فضا به پایگاه نظامی، ایجاد مناطق عاری از جنگ افزارهای اتمی از جمله اقیانوس هند و خلیج فارس و تبدیل آن به منطقه صلح، رسالت تاریخی خود را به شایسته ترین شکلی در برخورد با حیاتی ترین امر زندگی بشری انجام می دهد. از اینروست که پیشنهادات صلح اتحاد شوروی در مرکز توجه و پشتیبانی بشریت صلح دوست و ترقی خواه قرار می گیرد.

در اوضاع و احوال کنونی، برای ناکام ساختن نقشه های نظامی گرایانه، تشنج فزایانه و جنگ افروزان امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در سطح جهانی و از جمله در سطح منطقه خاورمیانه و نزدیک و خلیج فارس و اقیانوس هند، خلق های منطقه و از جمله خلق های ایران سهم عمده ای را بر عهده دارند. برخاسته از این واقعیت است که خلقها و دولت های مترقی و انقلابی و همه نیروهای ضلحدوست همصد با مردم مبارز و ستعدیده ایران بحنوان نخستین گام پراهمیت برای طرد حضور امپریالیسم از منطقه خواهان پایان یافتن جنگ ایران و عراق هستند.

ادامه جنگ ایران و عراق تنها بسود امپریالیسم آمریکا، بر افروزنده و برنده اصلی آنست، باید به این جنگ خانمانسوز پایان بخشید.



جنگ عامل اصلی بحران اقتصادی، وابستگی، استثمار کارگران و دهقانان، بیکاری روز افزون، گرانی، آوارگی و بی خانمانی است!

۱۶ آذر، روز دانشجو را گرامی داریم

بقیه از صفحه ۱
ساخته. در ۲۱ آبانماه ۱۳۳۲ دانشجویان دانشگاه تهران با تعطیل کردن دانشگاه، با تظاهراتی که مردم در اعتراض به رژیم کودتا ترتیب داده بودند، همگام شدند. در ماه بعد، ۱۶ آذر ۱۳۳۲ بار دیگر بانگ اعتراض دانشجویان در فضای دانشگاه تهران طنین انداز شد. اعتراض بحق دانشجویان، بخاطر ورود نیکسون، معاون رئیس جمهور وقت آمریکا بود.

در این روز، دانشجویان که نقشه پیاده کردن اعتراض خود را در سر می پروراندند، با بدیدن اینکه مزدوران رژیم کودتا برای بازداشت دانشجویان راه و ساختمان، مسلسل بدست وارد کلاس شدند، به نشانه اتحاد و همبستگی با آن دو دانشجو به همراه استادان خود از کلاس خارج شدند. دانشجویان با شعار "مرگ بر شاه مزدور" در محوطه دانشگاه گرد آمدند. دو خمپان در هراس از اوجگیری و گسترش بیشتر تظاهرات، دانشجویان را به گلوله بستند. در نتیجه سه دانشجوی مبارز شهید و دهها تن زخمی شدند. از آن سال به بعد، در روند مبارزات و جنبش دانشجویی، روز ۱۶ آذر به روز انقلابی دانشجویان، روز شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی!" تبدیل شد.

جنبش دانشجویی مترقی بعنوان بخشی از جنبش اعتراضی و انقلابی عمومی مردم با خصلت مردمی و ضد امپریالیستی همواره در صحنه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور ما حضور داشته و خواهد داشت. شرکت دانشجویان همدمش مردم در مراحل گوناگون انقلاب و تبدیل شدن دانشگاه به یکی از سنگرهای پیگیر انقلاب و مبارزه علیه شاه، بخودی خود نشانگر این واقعیت است که جنبش دانشجویی ایران از توان و ظرفیت انقلابی شایسته‌ای برخوردار است. راز قدرت این جنبش در درجه اول، اتحاد یکپارچه و مبارزه متحد زیر پرچم خواسته‌های مشخص مردمی و ضد امپریالیستی است.

حزب توده ایران، از آغاز بنیانگذاری از هیچ کوششی در راه شکل و متحد ساختن دانشجویان در رنج نوزید هاست. در این رهگذر حزب ما عمیقاً اعتقاد دارد و در این راستا عمل کرده است که همه گردان‌های اصیل دانشجویی باید بدون هیچ تنگ نظری، خود محور بینی و انحصار طلبی در صف واحدی علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی بسیج و متحد شوند.

در شرایط حساس کنونی میهن ما بویژه جنبش دانشجویی در داخل و خارج از کشور می تواند نقش بسیار مثبتی در کمک به پیکار عمومی مردم و زحمتکشان ایران ایفا کند. جنبش مترقی دانشجویی باید با مشکل و متحد ساختن دانشجویان، افشاگری گسترده‌ای علیه رژیم واپسگرای جمهوری اسلامی و سیاست‌های ارتجاعی و خائنه آن در همه زمینه‌ها و از جمله در زمینه آموزش و فرهنگ سازمان دهد.

سران ج.ا. در توطئه علیه هند شرکت می کنند

هند هرکاری که می توانیم انجام بدیم" (اطلاعات ۲۱، آبان ۶۳). گفتل هاشمی رفسنجانی انعکاسی از مذاکرات پشت پرده با شخص نامبرده است.

این شخص که "امام جمعه مسجد جامع دهللی نو" معرفی میشود پس از ملاقات و مذاکره با آقای خمینی و دیگران سران ج.ا. و جلب پشتیبانی آنها در گفتگو با روزنامه "اطلاعات" از جمله می گوید: "در حال حاضر مسلمانان (که تعداد آنها را ۱۵۰ میلیون رقم می زند) از روند سیاسی موجود در هند و در راس آن حزب کثرت نارضی هستند. وی در توجیه این "نارضایتی" اظهار می دارد: "من در تماس‌ها و مکاتباتی که با خانم گاندی فقید داشتم، وی وعده ها و قولهای فراوانی در رابطه با بهبود موقعیت و نقش مسلمانان در جامعه هند به ما داد. ولی پس از آن که در انتخابات سال ۱۹۸۰ حزب خانم گاندی تعداد کثیری از مسلمانان را بدست آورد و پس از اینکه دو سوم اکثریت آراء را به خود اختصاص داد وعده ها و پیمان های خود را در قبال جامعه مسلمین هند به فراموشی سپرد."

با اندک دقتی در این گفتار می توان دریافت که در راستای توطئه های امپریالیستی علیه استقلال و تمامیت ارضی و نیروهای مترقی در هند توطئه تازه‌ای با شرکت سران ج.ا. علیه هند در حال وقوع است. بخصوص که "سید عبدالله بخاری" در پاسخ خبرنگار "اطلاعات" درباره نقشه های آینده می گوید: "در مورد آینده سیاسی هند ۵۰۰ ما اکنون چیزی نمیتوانیم بگوئیم ورنه های آتی خود را انشاء الله در آینده اعلام خواهیم داشت."

آیا دعوت چنین اشخاصی به ایران، اظهارات هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و طرح اینگونه مسائل در ارگان های ج.ا. به معنا و مفهوم دخالت آشکار سران ج.ا. در امور داخلی هند نیست؟ مردم ایران این سیاست های خائنه سران ج.ا. را در پشتیبانی از عناصر ارتجاعی دخالت در امور داخلی دیگر کشورها و شرکت در توطئه های امپریالیستی علیه هند را محکوم می کنند.

ج.ا. هماهنگ با سیاست های ضد مردمی امپریالیسم آمریکا در سطح منطقه عمل می کند. پشتیبانی از حکومت ها و جریان های ارتجاعی در منطقه و دشمنی و عناد با حکومت های دموکراتیک و مردمی، تقویت حکومت های میلیتاریستی و کودتایی حاکم بر ترکیه (عضو ناتو) و پاکستان، دراز کردن دست دوستی به سمت عربستان سعودی، خرید اسلحه از اسرائیل، ایجاد پایگاه های نظامی برای ضد انقلاب افغانستان و اخیراً تحریک جریان های ارتجاعی برای ایجاد بلوا و آشوب در هند، یعنی همان سیاستی که آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی در منطقه دنبال می کنند. با این تفاوت ظاهری که ج.ا. همه این کارها را زیر پوشش "دفاع از اسلام" و "همبستگی با مسلمانان" انجام می دهد.

پس از پشتیبانی های رسمی و غیر رسمی حاکمیت ج.ا. از جریان های ارتجاعی در ایالت آسام هند که به تحریک آمریکا علیه استقلال هند شورش راه انداختند و با شکست فاحشی روبرو شدند، در شرایطی که بانو گاندی به تحریک ارتجاع بین المللی ترور شده و وابستگان امپریالیسم تمام نیروی خود را برای ایجاد آشوب، به راه انداختن جنگ های داخلی و متلاشی ساختن هند ۸۰۰ میلیونی متمرکز کرده و بکار گرفته اند، در این هنگام که جریان های ارتجاعی در گوشه و کنار هند علم مخالفت با سیاست های ضد امپریالیستی، دوستی با کشورهای سوسیالیستی و پشتیبانی از جنبش های رهایی بخش را در این کشور برافراشته اند، ج.ا. نماینده یکی از جریان های ارتجاعی هند را به کشور دعوت کرده و او قول پشتیبانی می دهد.

آقای هاشمی رفسنجانی در دیدار با ایمن شخص، موسوم به "سید عبدالله بخاری" به او اطمینان می دهد: "آنچه که در توان داشته باشیم برای بهبود وضع مسلمانان جهان و هند انجام خواهیم داد." وی متذکر می شود که "ما همیشه علاقمند به وضع مسلمانان هند بوده ایم و بارها از طریق نماز جمعه به مسائل آنها اشاره کرده و مایلیم برای بهبود وضع مسلمانان

مدارك ساختگی "سیا"...

بقیه از صفحه ۱
و برخی از مقامات ایران، از جمله نصیری رئیس سابق ساواک قرار می گرفته است.
در یکی از این باصطلاح اسناد، گزارش دهنده تاکید می کند که: "نوشتار حاضر رونوشتی از گزارشات پیرامون حضور شوروی و سازمان جاسوسی آن کشور در ایران است که به شاه، ساواک رکن ۲ و پلیس ملی ارائه داشته ایم." و هیچ جای شگفتی نیست که روزنامه کیهان در چارچوب سیاست امروز ج.ا. در چرخش به راست، وقیحانه بر "ارزش، اصالت و اهمیت این اسناد" تاکید ورزد. در "سند" یاد شده ما موران "سیا" در تحقیق اهداف خود می کوشند چنین القاء کنند که تعدادی از شهروندان شوروی در ایران "به

عنوان ما موران اطلاعاتی شناسائی شده اند." گرد آوردندگان این دو کتاب با استناد به گزارش های جاسوسان "سیا" برای فریب افکار عمومی چنین نتیجه می گیرند که "امپریالیسم و کمونیسم دو واژه بظاهر متضاد، جدای از مفاهیم کلاسیک دموکرات از یک انگیزه اند و برای یک هدف تلاش می کنند و آن قطع انسانیت از انسان است." بی آنکه لزومی به افشاء این مضامین "سیا" ساخته باشد باید گفت که بدین ترتیب دست "سیا" در "۱۰ از آستین کسانی بیرون می آید که روزگاری ادعای مبارزه با امپریالیسم را داشته اند. جای تاسف بسیار است. اینان که امروزه به عنوان "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" راه خیانت به آرمان های مردمی انقلاب را می پیمایند، اگر ما موران نباشند بقیه در صفحه ۸

چرا ارگان حزب حاکم...

بقیه از صفحه ۱

تبدیل کرده، وجود شکنجه در سیاهچال‌های ج ۱۰ را منکر است و ادعا می‌کند که گویا زندانیان "داوطلبانه" به گناهان ناکرده اعتراف می‌کنند و حتی "داوطلبانه" در برابر جوخه‌های اعدام قرار می‌گیرند. و همه این "معجزه‌ها" گویا تحت تاثیر "مکتب" صورت می‌گیرد. مکتبی که اکثر آقایان خود بدان اعتقاد ندارند. ما می‌گوییم اعتقاد ندارند، زیرا آنها از "عدالت‌اسلامی" دم می‌زنند، ولی گروه گروه دختران و پسران را فقط به اتهام دگراندیشی بدست درخیمان می‌سپارند. آنها درباره "اخلاق اسلامی" داد سخن می‌دهند، اما از رذیلتان ترسیده‌ترین شیوه‌های تهمت و افترا به عاریت گرفته شده از زرادخانه "سیا" و انتلیجنت سرویس برای سرکوب مخالفان خود بهره می‌گیرند.

خانین به آماج‌های مردمی انقلاب، که میهن‌ها را به عرصه غارت‌بندی و بارکلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکان و نیز انحصارهای امپریالیستی تبدیل کرده‌اند، بدون ذره‌ای شرم، افضلی‌ها و یکپیری‌ها و عطاریان‌ها را که با ایثار و از جان گذشتگی از میهن خود در برابر تجاوز خارجی دفاع کردند و به اعتراف دوست و دشمن، نقش تعیین‌کننده در آزادی مناطق اشغالی داشتند، "خائن" می‌نامند.

مردم ایران حق دارند از سران ج ۱۰ بپرسند: اگر آن میهن‌دستان "خائن" بودند، چرا از محاکمه علنی آنها ترسیدید و بچه علت به حقوقدانان بین‌المللی اجازه شرکت در دادگاه نظامی داده نشد و چرا امروز هم که حقوقدانان و پزشکان و کارشناسان انسان‌دوست در سراسر جهان برای دریافت ویزا به سفارتخانه‌های ج ۱۰ مراجعه می‌کنند، پاسخ رد می‌شنوند؟ در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران صریحاً گفته می‌شود، محاکمه زندانیان توده‌ای بوز جمله کادر مرکزی حزب مدت‌هاست پشت‌درها بسته جریان دارد و در موارد عدیده‌ای حتی احکام اعدام آنها نیز صادر شده است. چرا ارگان مرکزی حزب حاکم در فحشنامه منتشره در این باره سکوت کرده است؟

حزب توده ایران طی سراسر تاریخ پرفراز و نشیب خود، همیشه در مرکز شدیدترین حملات امپریالیسم و ارتجاع قرار داشته است. کوشش رژیم ساواکی شاه برای از پای درآوردن حزب ما با شکست روبرو گردید. این بار نیز حزب ما بر توطئه امپریالیسم و ارتجاع داخلی چیره خواهد شد. توطئه سران ج ۱۰ هم نخواهد توانست، حزب ما را از راه درستی که از همان آغاز پدید آمدنش در جهت دفاع بیدریغ از منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان در راه بدست آوردن استقلال واقعی میهنمان، در راه آزادی، عدالت اجتماعی و برابری حقوق همه خلق‌های ایران برگزیده، دور کند، چه رسد که منحرف سازد.

خبرنگار "نامه مردم" در میان مردم

شما ایشان را می‌شناسید؟

متظاهر به "اسلام" و "شرع" حتی برای حفظ ظاهر هم که شده رعایت اصول مذهبی را نمی‌کند. هر چند که کار جمهوری اسلامی دیگر از این حرفها گذشته است.

انگلیسی‌ها در "ایران ناسیونال"

اواخر سال پیشید ستور بهزاد نبوی بانسد جدیدی جانشین هیئت مدیره قبلی کارخانه ایران ناسیونال شد. بانسد جدید مرکب از کارمندان سابق یک شرکت آمریکایی در ایران است. به کوشش مدیران فعلی مدتی است که بازمسرو کله انگلیسی‌ها در کارخانه ایران ناسیونال پیدا شده است. یعنی همان کسانی که تا پارسال به آنها ویزای ورود به ایران داده نمی‌شد. مدیریت جدید به این نتیجه رسیده که کاری از دست ما مسلمانها بر نمی‌آید. کارها را باید به انگلیسی‌ها و آلمانی‌ها سپرد. همچنین به کوشش مدیریت جدید اغلب متخصصین فنی که در زمره مسلمانان انقلابی بوده‌اند از کار برکنار یا به قسمت‌های دیگری منتقل شده‌اند. اغلب این متخصصین در دوران انقلاب موفق به تعمیر و حتی دوباره سازی پیچیده‌ترین دستگاه‌های کارخانه شده بودند و با فداکاری تمام شب و روز کار می‌کردند.

بدون او نیفورم و ریش و سبیل

به گفته یکی از پاسداران، افراد سپاه مدتی است که به دلیل مسائل امنیتی با او نیفورم مخصوص در خیابان‌ها ظاهر نمی‌شوند. بعضی از آنها که کارشان شناسایی نیروهای انقلابی است حتی ریش و سبیلشان را هم تراشیده‌اند و با شیک‌ترین لباس‌ها به میان مردم می‌روند. پاسدار مذکور همچنین گفت چون سپاه پایگاهش را در میان مردم از دست داده، بسیاری از پاسداران حتی در مراسم رسمی از پوشیدن او نیفورم اکراه دارند. در هفته جنگ وقتی که برای شرکت در رژه اجباراً لباس فرم پوشیدیم مثل این بود که مردمان گهشان به من فحش می‌دادند.

آقای "فریدون صدقی" مدارج ترقی را در ج ۱۰ مثل هر فرصت طلب دیگر خیلی سرسبج پیمود. او تا نزدیکی‌های انقلاب دانشجوی مدیریت و هنداری در ایتالیا بود. در آن دوران کار او (به گفته خودش) قاچاق تریاک و کارهایی از این دست بود. وی سپس در هتل "بلر" تهران استخدام شد. در اثنای کار در هتل با برخی از مأموران سفارت آمریکا روابط مشکوکی برقرار کرد، تا حدی که در جریان انقلاب (باز هم به گفته خودش) یکی از مأموران سفارت به او پیشنهاد کرد به آمریکا بگریزد.

اما آقای صدقی در ایران ماند و دیری نماند که (در سال ۵۹) با سمت منشی استاندار آذربایجان غربی به ارومیه عزیمت کرد. او درباره روابط خود شبا استاندار (طاهری) در مجلسی گفت: او عضوی سازمان مخوف زیرزمینی است، مثل فراماسونری. من چیزهایی از او می‌دانم، او هم از من. بنابراین با هم کنار می‌آئیم. آقای صدقی در مدتی که در ارومیه بود با همکاری آقایان "والی" معاون فرماندار (که مدتی هم فرماندار بود) و "حبیب مختاری" سرپرست و صاحب امتیاز "ایران ناسیونال" در ارومیه بیش از پنجاه دستگاه اتومبیل پیکان را در بازار آزاد فروختند و پولش را به جیب زدند.

بعد ها که بین ملا حسینی، امام جمعه ارومیه و طاهری (استاندار) اختلاف افتاد و آقایان استان دار با همین سمت به آذربایجان شرقی منتقل شد آقای صدقی تا مدتی بر سر کار خود باقی ماند، سپس خود را به وزارت امور خارجه منتقل کرد. می‌دانید که آقای صدقی حالا چکاره است؟ او مدتی است که به سمت "کاردار کنسولگری ایران در میلان" ایتالیا منصوب شده است. کار او این است که باعث زحمت و گرفتاری دانشجویان ایرانی مقیم ایتالیا شود. او در این راه از هیچ نوع کبار شکنی فروگذار نمی‌کند. در این دوران یکبار (کهها برای محاکمه) به تهران احضارش کردند. اما آب از آب تکان نخورد. او بر سر کارش برگشت و روز به روز با کمک فرصت طلبانی مثل خودش، جای پایش را محکم‌تر می‌کند. جالب این است که ایسن

حزب ما با سربلندی به مبارزه دشوار خود علیه امپریالیسم و عمال محلی آن ادامه می‌دهد و چهره زشت ارتجاع حاکم بر کشور و تبلیغات کین‌توزانه خائنین به انقلاب را که از نا جوانمردانه‌ترین شیوه‌های اتهام و لجن‌پراکنی و دروغ‌پردازی بهره‌گیری می‌کنند، عریان می‌سازد. حمایت و پشتیبانی توده‌های زحمتکش کشور و نیروهای مترقی و بشردوست جهان از توده‌های دین‌دست کوماندوهای بردگان و سراسرانی است که می‌کوشند جنایت‌نویسی در حال تکوین

را زیر پوشش فحش و ناسزا از نظر اینها دارند. فحشنامه "جمهوری اسلامی" بار دیگر اهمیت پیکار جهانیگر برای آزادی توده‌های ایران در بند و همه زندانیان سیاسی میهن‌دوست را به ثبوت می‌رساند. اعضا و هیواداران حزب توده ایران در هر کجا که هستند باید در جهت دستیابی به اتحاد عمل نیروها برای نجات جان زندانیان سیاسی گام بردارند و از کلیه امکانات برای تجهیز افکار عمومی ایران و جهان استفاده کنند.

شعرهای رسیده

در چند ماهی که از آغاز انتشار و تجدید " نامه مردم " می گذرد شعرهای زیادی رسیده که با در نظر گرفتن ضعف ها و قوت هایی که دارند هر کدام به نوبه خود قابل تاملند . با توجه به فرصت محدود مان بجای پرداختن به مسئله شعر می کوشیم نمونه هایی از این شعرها را ارائه کنیم با این توضیحات:

— شعرهای رسیده که اغلب تم سیاسی و انقلابی دارند ، بسیاری و جای چاپ همه آنها در " نامه مردم " نیست .

— غزل های رسیده اغلب از نظر وزن دچار اشکالند . ردیف و قافیه در آنها خوب بکار گرفته نشده ، استحکام و پختگی لازم را ندارند . مراجعه به آثار کلاسیک شعر فارسی و مطالعه بیشتر در این متون و آشنایی با اشکال مختلف شعر قدیم ، اوزان عروض و ظرافت کار را توصیه می کنیم .

— در شعرهای نیمایی که اغلب تصاویر زیبا و جان

داری دیده میشود ، نه تنها وزن آنها مختل است گاهی دیده میشود که در یک شعر کوتاه دو یا سه وزن بکار می رود . این کار درست نیست .

— دسته دیگر از شعرهای رسیده در زمره شعرهای بی وزن یا سپیدند که بایستی قاعدتاً نوعی هارمونی آنها را از نظر متمایز سازد . متأسفانه برخی از این شعرها بیشتر به ترجمه آزاد شعر شبیهند تا شعرهای سپید با نمونه های متداول و مورد پسند اهل شعر . مطالعه شعرهای نام آوران شعر امروز را توصیه می کنیم .

— تاکنون شعرهایی از " ر.ف. آتیه " ، " م. کوهر " ، " ع. رهایی " ، " میشکا " ، " د. عباد " (یک شعر بلند) ، " پروین " ، " مسعود " ، " رفوف " ، " ح. م. " ، " م. س. " ، " کامل " ، " وح. " ، " م. ب. " ، " نادر " ، " م. ن. " ، و چند نفر دیگر که نام خود را ننوشته اند به دفتر " نامه مردم " رسیده که از برخی از آن ها بتدریج استفاده خواهد شد .

آزادی زندانی است

دستانهایی

گلوی تاریخ را فشردند

و آزادی در گوشه حیاط

خفقان گرفت .

جوهر فریاد ، ناله شد

و ناله ، از گلوی فشرده ، خونین

تا لاله های گوش جاری است .

اینک زنجیر ! اینک خون

که به استوانه ، جنون می ریزد .

اینک خفقان ،

که در حیاط نفس عمیق می کشد .

آن که در بند است

آزادی است

ر.ف. آتیه

برای کارگران میهن

در مسلخ کارخانه

در رنگنای دود و آتش و آهن

قلب به هم فشرده کارگر

تا پ تاپ !

فریاد پرطنین رهایی خلق است .

در سیاهی سرمایه

زیر تیغ استثمار نامردان دون

قلب به هم فشرده کارگر

تا پ تاپ !

فریاد پرطنین رهایی خلق است .

آن گوهر شب فروز خلق

نقاش چیره دست و توانای سوسیالیسم

مشعل بدست و پیشرو زحمتکشان میهن است .

فرهاد

زندگی را دوست باید داشت

" زندگی را دوست باید داشت "

گاه ، هنگامی که می گریم

دستها و دیده ام فریاد می دارند :

زندگی را در میان اشک

یابه اوج خشم باید ساخت ، لیکن

درون توفان خشم و اشک

و آن زمان کز روشنی جز دیدگان دوستان

نوری نمی یابم ،

من به خود اینگونه می گویم :

زندگی را در درون عشق باید یافت

در میان مشت بذر صلح باید کاشت

زندگی را دوست باید داشت .

فاطمی

شاهد پیروزی

نه در رنگبست به کار

نه در رنگبست به بار

نه گسستیست به راه

همه ابرست و امید انباشن

که پس دره پر شیب و شکستی که گذشتیم از آن

نه که تلخای سقوط

نه که رفتن به سکوت

نه که تیرازه خون

نقطه پایان سفر

از سر شور و شعور

جملگی شعله شدن

و شرار افکندن

در شب خاموشان

شاهد بهروزبست .

شاهد پیروزبست .

" کیوان "

میهمان ناخوانده

میهمان ناخوانده

صدها هزار مرد و زن

خرد و کلان

پیر و جوان

بیتاب و خسته

در زورق انقلاب نشسته

دست از هستی خویش شسته . . .

آنها که تاختند رو به لشکر دیوان

چون زورق شکسته

از چنگ وحشی طوفان گذشت

و بر ساحل نجات نشست ،

صدها هزار مرد و زن

خرد و کلان

پیر و جوان ،

بیتاب و خسته

در حسرت می تنفس راحت

بر فرش خاک ، نشستند .

اما نه جای پاست ، برگرد سفره

که میهمان ناخوانده

پیش از تعارف صاحب کرم

برگرد خوان نشسته . . .

م.ع.ب

سرود اتحاد

واژه خلق سه حرف است

سه سیم یک تلگراف :

توده ای ،

فدائی ،

مجاهد ،

وطن جمع سه حرف است

ما هم سه فرزند او :

توده ای ،

فدائی ،

مجاهد ،

سه رنگ یک پرچم

همگام یک رهیم

آزادی ،

آزادی ،

آزادی ،

هزار و صدها هزار

مثل روزبه ، ارانی ،

گل سرخی ، رضایی .

توده ای ،

فدائی ،

مجاهد .

همبستگی جهانی بازندانان سیاسی

اخیرا میتینگ از طرف کمیته دفاع از انقلاب و زندانیان سیاسی ایران در هند وستان برگزار شد. در این میتینگ احزاب و سازمانهای زیر سخنرانی کرده و پیام فرستادند: حزب کمونیست هند وستان - شهر پونا و سازمان کارگری و دانشجویی وابسته به آن، هواداران جبهه د مکرانیک برای آزادی فلسطین و هواداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین، اتحادیه د مکرانیک جوانان بحرین، فد راسیون د مکرانیک دانشجویان سودان و چند سازمان دیگر. در این میتینگ قطعنامههایی از جمله د رباره جنگ مخرب ایران و عراق و حمایت از زندانیان سیاسی در سیاهچالهای ج ۱۰ تصویب شد.

در قطعنامه از جمله خاطر نشان می شود ما شرکت کنندگان در میتینگ، اعدام، شکنجه و زندانی کردن هزاران تن از انقلابیون ایران را محکوم می کنیم. رژیم ارتجاعی ج ۱۰ از هیچ جنایتی علیه زندانیان سیاسی ایران ابا نکرده و در زندانهای ایران خطر مرگ جان دهها هزار تن مبارز را تهدید می کند. رژیم ایران زندانیان سیاسی ایران را گروگانها و اسرای فاقد هر نوع حقوق می پندارد. اعداهای مخفی، شکنجه های قرون وسطایی و زیر پا گذاشتن حقوق ابتدایی انسانها سیاست رایج ج ۱۰ است. ما خواهان آن هستیم که:

- ۱- به اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی ایران بی درنگ پایان داده شود.
- ۲- زندانیان سیاسی بدون قید و شرط آزاد شوند.
- ۳- ما از تمامی مردم مترقی جهان می خواهیم که صدای اعتراض خود را بر علیه جنایات ج ۱۰ بلند کنند.

همبستگی مردم هند بامیهن پرستان در بند ایرانی

اخیرا کمیته دفاع از انقلاب و زندانیان سیاسی ایران در دهلی نو نشستی داشت. در این نشست که ریاست آن را یکی از وزرای سابق هند وستان بنام "چاودری براهم پرکاش" بعهده داشت رجل برجسته ای از حزب کنگره ملی هند (آی)، حزب کنگره، حزب کمونیست هند وستان، حزب کنگره (ج)، و حزب جان واد شرکت داشته کمیته قطنامه ای صادر کرد که در آن گفته می شود:

سردمداران ج ۱۰ کلیه حقوق سیاسی، قضایی و زیستی زندانیان سیاسی را به طرز بیشرمانه ای لگد مال کرده و مرتکب جنایات د هشت انگیزی علیه آنان می شوند که خاطر ه شیوه های "ساوک" رژیم منفور شاه را زنده میکند. در این شرایط مبارزه برای دفاع از حقوق انسانی، قانونی و خواسته های عادلانه زندانیان سیاسی ایران اهمیت حیاتی دارد.

ما همه نیروهای آگاه و مبارز را برای گسترش و تشدید پیکار علیه سیاست اختناق ایران و دفاع از حقوق زندانیان سیاسی فرامی خوانیم. ما خواهان آن هستیم که اعدام مبارزان بی درنگ قطع شود و شکنجه های جسمی و روحی، دستگیری نیروهای مترقی، اعمال فشار بر زندانیان جهت پشت پا زدن به عقاید خود متوقف گردد، دادگاههای علنی مطابق موازین قانونی بین المللی برپا شود و به شخصیت های ذیصلاح بین المللی اجازه بازدید از زندانهای ایران و حضور در محاکمات داده شود.

در قطعنامه همچنین بر ضرورت بهبود تغذیه و بهداشت، اجازه ملاقات هفتگی و حقوق مطالعه کتاب و نشریات برای زندانیان تأکید شده است.

ضمنا وی - تی ایند و چون (ژورنالیست)، وای لولیل سری در ارمون (شاعر)، ک جی شانکر بیلابی (شاعر)، اتور روی مارما (شاعر)، ام ک منون (ژورنالیست)، وی آراویند لیسان (ژورنالیست) و سی - اچوتا منون عضو حزب کمونیست ایالت کولا و رئیس دولت سابق ایالت کولا نیز همبستگی خود را با مبارزه مردم ایران و نیروهای مترقی اعلام کرده و خواستار آزادی زندانیان سیاسی از جمله رفیق احسان طبری شدند.

"سوسیالیست های د مکران آمریکا" خواستار آزادی زندانیان سیاسی ایران شد

مایک نیکولس از جانب شورای "سوسیا لیست های د مکران آمریکا" (بخش جوانان) اعتراض نامه ای برای نمایندگی ایران در سازمان ملل ارسال داشته که طی آن خواستار آزادی رفیق احسان طبری و دیگر زندانیان سیاسی ایران شده است. در بخشی از این اعتراض نامه آمده است:

"ما نسبت به رفتار جمهوری اسلامی ایران با احسان طبری اعتراض خویش را اعلام می داریم و همچنین خواستار آزادی همه هنر مند و دانشمندان در بند و زندانیان سیاسی ایران هستیم."

جسد رفیق عادل رام راسوزاندند

روزی نیست که پرده از جنایت تازه ای در زندانهای ج ۱۰ برداشته نشود. پس از انتشار خبر شهادت رفیق عادل رام در زیر شکنجه دشیمان بند رترکمن اخیرا باخبر شدیم که شکنجه گران جسد این رفیق را سوزانده و ادا کرده اند که خود سوزی کرده است. یکی از رفقا می نویسد: سینه که از شهادت رفیق سخت دچار وحشت شده بود و احتمال مصادک ممکن است این مسئله موجب اعتراض عمومی بشود، جسد رفیق عادل رام را به آتش کشید و اعلام کرد خود سوزی کرده است. در طی این جریان به مدت یک ماه قرار ملاقات زندانیان در بند رترکمن لغو شد و پس از آن زندانیان تهدید شدند که هنگام ملاقات با نزدیکان نشان سخنی از شهادت رفیق عادل رام در زیر شکنجه، بر زبان نیاورند.

رفیق شهید عادل رام در اوج انقلاب هوادار حزب توده ایران شد و همکاری با رفقای توده ای در بند رترکمن را آغاز کرد. او عضو یک خانواده زحمتکش مهاجر بود که در بند رترکمن متولد شده و در همان شهر تحصیلات متوسطه اش را پایان داد. بیشتر دوران خدمت سربازی را بنا به رهنمود حزب در جبهه گذراند. در این دوران شهادت فوق العاده و ویژگی های اخلاقی او مورد توجه قرار گرفت و همین ها سبب شد تا او بتواند نقش مؤثری در آگاه سازی هم سنگراننش داشته باشد. پس از پایان خدمت، رفیق عادل بطور بی گبر فعالیت های حزبی خود را ادامه داد و بیورش همگانی نیروهای ارتجاعی به حزب توده ایران (۱۸ بیهشت ۶۲) دستگیر و پس از چندی، مقاومت قهرمانانه او موجب شهادتش شد.

شهادت او موجی از تأسف و اندوه در بند رترکمن برانگیخت و موجب اعتراض توده های زحمتکش مردم شد. بدینسان رفیق جوان ما در بیست و سه سالگی به فوج شهیدای توده ای پیوست.

لایحه بودجه سال ۶۴...

بقیه از صفحه ۲

چنین است ماهیت "نظام اقتصاد اسلامی" که آقای رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه پیرامونش در رفتاری می کند. این نظام به اعتراف خود رئیس مجلس شورای اسلامی چیزی جز نظام منخط سرمایه داری وابسته نیست و سرانجام حافظ این نظام و حامی منافع غارتگران و دشمن زحمتکشانند.

هم میهنان عزیز! با بکارگیری و بسیج همه امکانات خود به یاری دهها هزار خانواده

زندانیان سیاسی بشتابیم!

آمریکو متحدانش مقصرین اصلی حفظ و خامت اوضاع پیرامون افغانستان

روزنامه پراودا، در ۲۵ نوامبر سال جاری تفسیری تحت عنوان "از مزدوران حمایت می کنند" پیرامون "مسئله افغانستان" منتشر ساخت. در تفسیر پراودا گفته می شود ایالات متحده آمریکا و متحدانش به عوام فریبی نوینی دست زد هاند. علی رغم اعتراض بسیاری از کشورهای عضو سازمان ملل متحد، آنها بحث پیرامون "وضع در افغانستان" را به اجلاس سازمان ملل متحد تحمیل کردند. آیا برای این کار پایه منطقی وجود دارد؟

هرکس که پا به خاک جمهوری د مکر تیک خلق افغانستان بگذارد، بید رنگ مشاهده خواهد کرد که ورطه عمیقی میان واقعیت زندگی افغانستان و آن چیزی که در آینه کژنمای تبلیغات غرب دیده میشود، وجود دارد. در کابل و دیگر شهرها و شهرستان های افغانستان، مردم به کارهای خلاق و صلح جویانه سرگرم هستند.

اگر در باره "مسئله افغانستان" باید حرفی زده شود، در این صورت نباید در باره وضع داخلی افغانستان، بلکه در باره توطئه های دشمنان خارجی آن، ادامه دخالت دول امپریالیستی، قبل از همه ایالات متحده آمریکا در امور داخلی جمهوری د مکر تیک افغانستان باشد.

همه می دانند که در پاکستان، ایران و کشورهای دیگر، ده ها اردوگاه ویژه تشکیل شده است که در آنها باند های ضد انقلاب برای اعزام به درون خاک جمهوری د مکر تیک افغانستان تربیت و مسلح میشوند. هدف این باند ها غارت و کشتار اهالی است. در سال ۹۸۳ د ولت ایالات متحده آمریکا مبلغ ۱۰۵ میلیون دلار برای ادامه جنگ اعلام نشده علیه جمهوری د مکر تیک افغانستان خرج کرده و طبق نوشته هفته نامه "نیوزویک" در سال جاری این رقم به ۱۲۵ میلیون دلار افزایش خواهد یافت. انگلستان چندین ده میلیون پوند و آلمان غربی ۶۰ میلیون مارک بدین منظور اختصاص داده اند.

باند های ترور جنگ افزارهای مدرن از جمله تفنگ های خودکار، مسلسل، توپ های ضد هوایی راکت ها و مین های تولید شده در آمریکا و انگلستان، چین و پاکستان دریافت می کنند. به اعتراف "واشینگتن پست" سیل اسلحه سرازیر شده برای خرابکاری و کشتار به سیرجبد بین پاکستان و افغانستان، تنها در سال گذشته دو تا سه بار افزایش یافته است. این روزنامه می نویسد که "در گذشته، چنین تنوع سلاح ها، در دست باند ها دیده نشده بود. در یادداشت سری "سیا" تحت عنوان "در باره وضع افغانستان" که چندی پیش افشاء شد، به دولت آمریکا پیشنهاد می شود "در آینده نیز کک و حمایت همه جانبه" به ضد انقلاب افغانستان باید ادامه پیدا کند.

همه این حقایق، از جمله حقایق پیشگفته بیانگر آنست که ایالات متحده آمریکا و آنهايي که از سیاست آمریکا پیروی می کنند، مقصرین اصلی حفظ و خامت اوضاع پیرامون افغانستان هستند.

مدارك ساختگی "سیا" در خدمت سران جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۴

تا حد يك ما "مور" "سیا" و عناصر پلید جاسوس تنزل شخصیت یافته اند.

نکته مهم قابل توجه این که انتشار "اسناد" یاد شده زمانی صورت می گیرد که حاکمیت ج ۱۰ دیگر بار در توطئه های ضد کمونیستی و تود های ستیزانه خود تیرش به سنگ خورده و با شکست مفتضحانه ای روبرو شده است. در حالیکه مردم به تجربه دریافته اند که اتهامات "جاسوسی" و "خیانت" ساخته و پرداخته امپریالیسم عوامل پنهان و آشکار داخلی آن است و بخشی از کادری مرکزی حزب توده ایران در واقع به دلیل دفاع از انقلاب و حقوق زحمتکشان به "محاكمه" کشیده می شوند، و در حالی که مقتدایی نماینده شورای عالی قضایی در توجیه این شکست، در پاسخی علت بتعمیق افتادن محاکمه رهبران حزب توده ایران از جمله بر "نقص پرونده" تاکید می کند و می گوید "مدارك جدیدی پیدا شده و لازم" است در مورد آنها تحقیق شود، "آیا این باصطلاح" "اسناد" نمی توانند همان "مدارك جدیدی" باشند که آقای مقتدایی به آنها استناد می کند؟

بخصوص که ما "موران" "سیا" در این باصطلاح "اسناد" به لادایف الحیل کشیده اند که حزب توده ایران را "وابسته به شوروی" قلمداد کنند. آری همین ها هستند "مدارك جدیدی" که آقای مقتدایی از آنها یاد می کند.

در آن شرایط که این گزارش ها از جانب سفارت ایالات متحده آمریکا در ایران، یعنی یکی از قوی ترین بخش های سازمان جاسوسی "سیا" در خاور میانه تهیه می شد و در اختیار شاه و ساواک قرار می گرفت، "جرم" حزب توده ایران شرکت مؤثر در "اشوب های اخیر"، یعنی انقلاب بود و امروز همان حربه از طرف سران ج ۱۰ علیه حزب ما بکار گرفته می شود. و جای هیچ تنجی نیست که یکی از موارد "جرم" تود های ماد رادگه های در بسته، شرکت آنها در فعالیت های انقلابی در سال های اختناق ستمشاهی است.

نکته دیگر: گرد آورندگان به اصطلاح "اسناد" یاد شده، که در حقیقت سینه در تنور "سیا" می سوزانند، گزارش های جاسوسان آمریکایی را معیار خود در قضاوت در باره اتحاد شوروی قرار داده اند، در حالیکه اسناد بایگانی شده در وزارت خارجه و اسناد منتشر شده توسط اتحاد شوروی در باره روابط خارجی این کشور با دیگر کشورها در دسترس سران ج ۱۰ است و همه این اسناد بدون هیچ تردیدی مؤید احترام اتحاد شوروی به استقلال و تمامیت ارضی، خواست های مردم و عدم مداخله در کشور ماست. اتحاد شوروی در طول ۶۶ سال اخیر، از انقلاب اکتوبر تا کنون، وفاداری به این اصول را در ارتباط با کشورها در عمل نشان داده است.

لحظات سرنوشت ساز در شبلی

در شبلی اوضاع و احوال حکایت از آغاز خیزش واقعی خلقی می کند. این ارزیابی بردامنه گسترده و شرکت وسیع توده های مردم در پیکار علیه دیکتاتوری فاشیستی حاکم تکیه دارد. دیگر هیچ گونه تدابیر بازدارنده، نه تزییقات خونین و نه فشار دولت آمریکا بر رهبران احزاب اپوزیسیون بورژوازی قادر نیست جنبش عمومی در راستای سرنگون کردن نظامیان وابسته به امپریالیسم آمریکا را تضعیف کند.

پس از سه روز مبارزه قهرمانانه در پایان ماه اکتبر، مردم زحمتکش مبارزه را همچنان ادامه دادند. جبهه میهنی "مانوئل رد ریگس" خط سراسری انتقال نیرو را با منفجر کردن چند پایه قطع کرد و برق رسانی را در سراسر کشور مختل نمود. در عین حال چند پل راه آهن تخریب شد و حمله به سربازخانه ها و ماشین های پلیس شروع گردید. آنگاه رژیم دیکتاتوری دست به اقدامات نومیدانه زد. از نو در سراسر کشور حکومت نظامی برقرار کرد، محله های کارگرنشین را به روش فاشیستی مورد تاخت و تاز قرار داد، کلوب های سازمان های سیاسی و اتحادیه های کارگری موضوع چپاول پلیس و نظامیان شد و حتی مرکز اتحادیه د مکر تیک که مواضع راست دارد ویران گردید. جمعا بیش از ۸ هزار تن بازداشت شدند. باردیگر ورزشگاه پایتخت تبدیل به زندان وارد و گاه بدنام "پیساکوا" در شمال شبلی افتتاح گردید و پانصد نفر از اسیران "خطرناک" را به آنجا فرستادند. دادستان نظامی پایتخت برای یازده تن خواهان صدور حکم اعدام شد.

اما رژیم فاشیستی و آمریکایی پینوشه نتوانست علیرغم بی سرکردن جنبش خیزش عمومی را سرکوب کند. جبهه میهنی "مانوئل رد ریگس" طی يك اعلامیه رسمی خود را بازوی مسلح خلق نامید و مسئولیت تمام اعمالی را که به منظور بی ثبات کردن رژیم صورت می گیرد پذیرفت. این جنبش اعلام نمود که مرحله بعدی پیکار را آغاز می کند.

در پیروزی نزدیک مردم شبلی تردیدی وجود ندارد. آرزو داریم که نیروهای مترقی شبلی که در تمام این سالها درفش مبارزه علیه دیکتاتوری فاشیستی را يك تنه برافراشته نگاه داشته اند، موفق شوند.

NAMEH MARDOM No: 27	P. B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
	DEZ. 6, 1984
Price	
W. Germany	1,00 DM
France	3,00 fr
Austria	8 öS
England	30 p
Italy	600 L.
USA	40cts